

بررسی روایات امام رضا^{علیه السلام} در کتب اربعه و صحاح سنّه (مطالعه موردی باب الصلاة)

زهرا قاسم نژاد^۱

چکیده

مطالعه منابع روایی، وجود نصوص و روایات مشترک در میان جمیع فرق و مذاهب را به خوبی نمایان می‌سازد. البته این مطلب، چنان واضح و روشن است که با اندک توجه به منشأ شکل‌گیری نصوص و احادیث در میان مسلمانان به خوبی مشاهده می‌شود؛ چنان که حتی بدون مراجعه به منابع حدیثی نیز می‌توان آن را حدس زد. بنابراین وجود روایات مشترک از امام رضا^{علیه السلام} در منابع روایی شیعه و اهل سنت، از فرضیه‌های این تحقیق است؛ زیرا علاوه بر یکسان بودن منشأ صدور روایات در شیعه و اهل سنت، در منابع رجالی، تاریخی و تراجم اهل سنت، از شخصیت امام رضا^{علیه السلام} بسیار تجلیل شده است. با این وجود، برخی معتقدند در صحاح سنّه - که کتب معتبر روایی اهل سنت است - روایتی از امام رضا^{علیه السلام} نقل نشده است. با توجه به این پیش‌فرض‌ها و گزارش‌ها، بررسی روایات مشترک امام رضا^{علیه السلام} در کتب اربعه و صحاح سنّه، رکن اساسی و پایه در این پژوهش است که با تکیه بر تبیین مفهوم مشترک، با روش توصیفی - تحلیلی انجام می‌گیرد. نتایج حاصل از تحقیق حاضر، نشان می‌دهد، با نگاه مبنایی به منشأ صدور حدیث و تبیین مفهوم مشترک می‌توان به نصوص و روایت‌هایی دست یافت که بین فریقین مشترک بوده و چنین مطالعاتی می‌تواند، یکی از محورهای مهم گفتگو باشد و موجب ایجاد صلح و همزیستی و تقریب بین مذاهب شود.

کلیدواژه‌ها: امام رضا، روایات، صحاح سنّه، کتب اربعه، مشترک.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۵.

۱. استادیار دانشگاه شیراز، گروه علوم قرآن و فقه دانشکده الهیات و معارف اسلامی (z_ghasemi62@yahoo.com)

درآمد

مذاهب مختلف همواره به دنبال راهی برای نزدیکی به یکدیگر هستند. مرادده و گفتگوی دانشمندان مذهبی می‌تواند زمینه‌ای برای رفع سوء تفاهم‌ها و دستیابی به نقاط مشترک باشد. این امر، بستر لازم برای نزدیکی هر چه بیشتر مذاهب به یکدیگر را موجب می‌شود که نتیجه این نزدیکی نیز دوستی و آرامش و در نهایت، صلح است. قرآن و سنت در مباحث اسلامی، محور اساسی گفتگوی علما و صاحبان مذاهب است. همگام‌سازی اندیشه‌های دین‌مداران در این دو حوزه، از اهمیت و تأثیر بالایی برخوردار است. در حوزه قرآن کریم و جایگاه متمایز آن در اندیشه تقریب میان اندیشمندان اسلامی، بحث‌های بسیاری ارائه شده است؛ اما به حوزه حدیث شاید کمتر توجه شده است.

بنابراین یکی از زمینه‌های اساسی‌ای که قابلیت پاسخگویی به این نیاز را دارد، بررسی روایات مشترک در جوامع حدیثی معتبر است. با توجه به این هدف، پژوهش حاضر به بررسی روایات مشترک امام رضا علیه السلام در کتب اربعه و صحاح سته می‌پردازد و از آن جهت که بررسی کلیه روایات مشترک در این مجال نمی‌گنجد، تنها «باب الصلاة» از کتب اربعه و صحاح انتخاب شده و با مطالعه تمام روایات این باب به بررسی و تحلیل متون و نصوص مشترک پرداخته شده است.

بررسی روایات مشترک بر این اصل استوار است که مرجع نقل حدیث صحابه و تابعیان و حتی فتاوی ایشان، قول و فعل و تقریر رسول گرامی اسلام است؛ این در حالی است که امامان معصوم علیهم السلام نیز کلام خود را نقل تام و بیان صدق اقوال و افعال نبی اکرم دانسته و به تأکید و تبیین آن پرداخته‌اند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ وَ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ وَ غَيْرِهِ قَالُوا سَمِعْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ حَدِيثِي حَدِيثُ أَبِي وَ حَدِيثُ أَبِي حَدِيثُ جَدِّي وَ حَدِيثُ جَدِّي حَدِيثُ الْحُسَيْنِ وَ حَدِيثُ الْحُسَيْنِ حَدِيثُ الْحَسَنِ وَ حَدِيثُ الْحَسَنِ حَدِيثُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ حَدِيثُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ حَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ» (کلینی، ۱۴۲۹ق: ۱/۱۵۳).

با توجه به اهمیت موضوع، تحقیق حاضر پس از معرفی کتب اربعه و صحاح سته و سخنی اجمالی از شخصیت امام رضا (ع) در منابع اهل سنت به وجود یا عدم وجود روایات امام رضا (ع) در منابع روایی اهل سنت اشاره کرده است. سپس به تبیین مفهوم روایات و نصوص مشترک پرداخته است. در بخش اصلی پژوهش، روایات امام رضا (ع) در باب الصلاة را - که ۱۷۵ روایت است - از کتب اربعه استخراج کرده و به بررسی و مطالعه روایات هم‌مضمون یا مشابه با این ۱۷۵ روایت در کتب صحاح سته پرداخته است. باب الصلاة به این علت اختیار شد که توجه به رده‌بندی موضوعی مباحث و تفکیک حوزه‌های گوناگون بحث حدیثی و نسبت‌سنجی صحیح میزان تراکم نصوص به تناسب موضوعات در این میان، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چرا که برای نمونه، اشتراک‌یابی در میان متون فرهنگی و اخلاقی که ناظر به آداب و سنن است نسبت به امور پیچیده فقهی و کلامی شاید امری آسان‌تر به نظر برسد. در این پژوهش، باب الصلاة - که از مباحث فقهی است - انتخاب شد تا این مطلب به اثبات رسد که حتی در امور فقهی هم روایات مشترک در منابع روایی فریقین وجود دارد، هر چند که ممکن است گاهی این اشتراکات، حاکی از تقیه باشد.

معرفی کتب اربعه و صحاح سته

تدوین حدیث شیعه برای اولین بار توسط جمعی که اکثر آنها از شاگردان امام صادق (ع) بودند، با ترغیب و تشویق خود ائمه (ع)، صورت گرفت؛ چنان که امام صادق (ع) به مفضل بن عمر فرمودند: «اكتب، وبث علمك في إخوانك، فإن مت فأورث كتبك بنيك؛ فإنه يأتي على الناس زمان هرج لا يأنسون فيه إلا بكتبهم» (کلینی، ۱۴۲۹ق: ۱/۱۳۰).

کتب اربعه یا اصول اربعه، نام چهار کتاب مهم حدیثی شیعه است که نزد شیعیان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این کتب که توسط سه تن از علمای بزرگ شیعه تألیف شده، بخش اعظمی از متون دینی و مکتب تشیع را در بر گرفته‌اند. گرچه تا قبل از تدوین این کتب، شماری از کتب حدیثی تدوین شده بود، ولی خلأ کتاب جامعی در این زمینه، سبب شد تا برای اولین بار محمد یعقوب کلینی با استفاده از کتب حدیثی موجود در آن زمان، کتاب الکافی را تدوین کند و دانشمندان را از مراجعه به کتب اولیه حدیث، بی‌نیاز سازد. او که در زمان غیبت صغری



زندگی می‌کرد، در سال ۳۲۹ ق از دنیا رفت. پس از او، دومین کتاب را علی بن بابویه (م ۳۸۱ ق)، معروف به شیخ صدوق، نوشت و نام آن را کتاب من لایحضره الفقیه گذاشت. سپس محمد بن الحسن طوسی معروف به شیخ الطائفه، دو کتاب تهذیب و استبصار را نگارش کرد. در این میان، کتاب الکافی با ۱۶۱۹۹ حدیث، مفصل‌ترین و استبصار با ۵۵۱۱ حدیث، مختصرترین آنهاست. علمای شیعه از آغاز تاکنون، بر این چهار کتاب شروح بسیاری نوشته‌اند. در مورد جوامع حدیثی اهل سنت باید گفت: صحاح ستّه، عنوان شش مجموعه بزرگ حدیثی اهل سنت است که از معتبرترین کتب حدیثی آنهاست و اهل سنت، تمامی احادیث آن را صحیح می‌دانند. این کتب عبارتند از:

- ۱ - صحیح بخاری: صحیح بخاری یا الجامع الصحیح را ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری (م ۲۵۶ ق) تألیف کرد که بالغ بر هفت هزار حدیث را در بر گرفته است.
- ۲ - صحیح مسلم: مؤلف آن، ابوالحسن مسلم بن حجاج نیشابوری (م ۲۶۱ ق) و نام دیگر آن، الجامع الصحیح است و بالغ بر هفت هزار حدیث در آن ثبت شده است.
- ۳ - سنن ابن ماجه: تألیف محمد بن یزید بن ماجه قزوینی (م ۲۷۳ ق).
- ۴ - سنن ابن داوود: تألیف ابوداوود سلیمان بن اشعث سجستانی (م ۲۷۵ ق).
- ۵ - سنن ترمذی: تألیف محمد بن عیسی بن سوره ترمذی (م ۲۷۹ ق).
- ۶ - سنن نسائی: نام دیگر آن مجتبی و تألیف احمد بن شعیب نسائی (م ۲۷۹ ق) است (نجفی، ۱۳۹۶ق: ۵۹).

امام رضا علیه السلام در منابع فریقین

منابع تاریخی، رجالی و تراجم اهل سنت، زمانی که به نام مبارک علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌رسند، شخصیت ایشان را مورد تمجید و تجلیل قرار می‌دهند. ذهبی از شخصیت‌های سنی است که سعی دارد به تخریب شخصیت‌های شیعی بپردازد؛ اما در مورد امام رضا علیه السلام از دو کلمه «الإمام و السید» استفاده می‌کند (ذهبی، ۱۴۲۷ق: ۱۱۵/۸ - ۱۱۸). قابل ذکر است که این دو لقب در منابع رجالی اهل سنت به کسی اطلاق می‌شود که عادل یا فوق عدالت باشد (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۶ق: ۳۸۷/۷؛ مالکی، بی‌تا: ۹۹۹/۲). ابن حبان نیز در کتاب الثقات -

که کتاب معتبر رجالی اهل سنت است - می گوید: «علی بن موسی الرضا من سادات اهل البيت و عقلائهم و اجله الهاشميين و نبلائهم و يجب أن يعتبر حديثه. مات علی الرضا بطوس قد زرته مرارا كثيرا سلام الله علی جده و علیه» (ابن حبان، ۱۳۹۳ق: ۴۵۶/۸).

جالب است که ابن حبان احادیث امام علیه السلام را دارای اعتبار می داند؛ اما در ادامه قید می کند به شرط این که حدیث نقل شده از ایشان، از طریق شیعه و فرزندان او و از طریق اباصلت هروی به ما نرسیده باشد. کلام وی به این معناست که حدیث امام مقبول نیست؛ چرا که احادیث امام علیه السلام از یکی از این طرق به ما رسیده است.

مقام شامخ امام در نزد اهل سنت را می توان در زمان ورود امام به نیشابور نیز مشاهده کرد. مناوی در شرح جامع الصغیر به نقل از تاریخ حاکم نیشابوری گزارش می کنند: «لما دخل نیشابور کان فی قبه مستوره عرض له الامامان محمد بن اسلم الطوسی و ابوزرعه الرازی معهما من طلبه العلم والحديث ما لا یحصی قالوا ایها السید الجلیل ابن الساده بحق ابانک الاطهرین و اسلافک الاکرمین و رویت لنا حدیثا عن ابانک عن جدک» (مناوی، ۱۳۵۶: ۴/۴۸۹). امام فرمودند: «سمعت ابي محمد بن عليّ، يقول: سمعت ابي علي بن الحسين، يقول: سمعت ابي الحسين بن علي، يقول: سمعت ابي أمير المؤمنين علي بن ابي طالب عليه السلام يقول: سمعت النبي صلى الله عليه وآله يقول: سمعت الله عزّ وجلّ يقول: لا إله الا الله حصني، فمن قالها دخل حصني، و من دخل حصني أمن من عذابي، صدق الله سبحانه، و صدق جبرئيل و صدق رسوله و صدق الأئمة عليهم السلام» (عطاردی، ۱۴۰۶: ۵۸/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۲۷/۴۹) ابوزرعه و ابن اسلم طوسی که از مراجع اهل سنت بودند، شروع به نوشتن کردند. امام در نکته اول، تبلیغ از خط امامان نمود و فرمودند: پدرم امام کاظم از پدرش جعفر صادق از پدرش زین العابدین از پدرش شهید کربلا از پدرش علی مرتضی نقل می کند که او فرمود: «قال حبیبی و قرّة عینی رسول الله» که جبرئیل برای پیامبر نقل کرد عن رب العزه از خدای عزیز که «كلمه لا اله الا الله حصني فمن قالها دخل حصني و من دخل حصني امن من عذابي». حضرت بعد از این مطلب سخنرانی کوتاهی کردند و پرده ها را انداختند. حاکم نیشابوری می گوید: خبرنگاران را شمارش کردند و کسانی که این روایت را می نوشتند بالغ بر بیست هزار نفر بودند که این روایت را نوشتند (گرایلی، ۱۳۷۵: ۱۶۸).



گزارش این مطلب نشان می‌دهد، حرص علمای اهل سنت در شنیدن روایت امام رضا علیه السلام و نوشتن آن کمتر اصحاب امام نبوده است و امام علیه السلام به منظور نزدیکی برادران اهل سنت و شیعه، سخنی را که نقل می‌کنند به رسول خدا صلی الله علیه و آله مستند می‌کنند. بنابراین با توجه به این روایت امام علیه السلام که مستند به کلام رسول گرامی اسلام است و اهمیتی که بزرگان اهل سنت برای سخن امام علیه السلام به عنوان عالم و دانشمندی که سخن پیامبر را نقل می‌کند، قائلند، این فرضیه تأیید می‌شود که در منابع حدیثی اهل سنت باید روایاتی باشد که با روایات امام رضا علیه السلام در منابع حدیثی شیعه مشترک باشد هر چند که در نقل حدیث به نام مبارک امام علیه السلام تصریح نشده باشد.

روایات امام رضا علیه السلام در منابع حدیثی اهل سنت

آنچه در قسمت قبل بیان شد نشان می‌دهد امام رضا علیه السلام از دیدگاه رجالیان اهل سنت، ثقه و فوق عدالت است و حدیث وی معتبر است، چنان که بزرگان اهل سنت در زمان حضور امام علیه السلام از وجود ایشان بهره می‌بردند و برای شنیدن حدیث از ایشان لحظه شماری می‌کردند. این مسئله را هنگام ورود امام علیه السلام به نیشابور شاهد هستیم؛ با این وجود برخی همچون ابن تیمیه می‌گوید: «احدی از اهل علم از او روایتی نقل نکرده و برای او حدیثی در کتب سته نیامده است. تنها روایاتی از ابوصلت هروی و امثال اوست که نسخه‌هایی از پدرانیش نقل کرده که در آن‌ها دروغ‌هایی است که خداوند صادقین از غیر اهل بیت را از آن‌ها منزّه کرده تا چه رسد به صادقین از اهل بیت» (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۶۰/۴).

در پاسخ به سخن ابن تیمیه چهار موضوع را می‌توان مطرح نمود:

اول: در این تحقیق اشاره شد که همه رجالیان و مورخان اهل سنت به عظمت و جلالت امام رضا علیه السلام اشاره کرده‌اند، حتی کسانی همچون ذهبی با وجود تعصبی که دارد، ایشان را سید و امام می‌داند. بنابراین به جهت جلالت قدر امام رضا علیه السلام - که خود اهل سنت نیز بر آن اعتراف دارند -، این سعادت برای اهل حدیث خواهد بود که از بزرگواری همچون امام رضا علیه السلام نقل روایت کنند، نه این که اعتبار آن حضرت به این باشد که کسی از علمای اهل سنت از امام روایت نقل کرده باشد.

دوم: سه نفر از دارندگان صحاح سته، یعنی ابن ماجه قزوینی، ابوداود سجستانی و ترمذی، از آن حضرت روایت نقل کرده‌اند. در سنن ابن ماجه روایتی از امام رضا علیه السلام درباره بحث ایمان و

عمل بیان شده است: «حدثنا سهل بن أبي سهل ومحمد بن إسماعيل قالا حدثنا عبد السلام بن صالح أبو الصلت الهروي حدثنا علي بن موسى الرضا عن أبيه عن جعفر بن محمد عن أبيه عن علي بن الحسين عن أبيه عن علي بن أبي طالب قال: قال رسول الله ﷺ: "الإيمان معرفة بالقلب وقول باللسان وعمل بالأركان"» (ابن ماجه قزوینی، ۱۳۹۵: ۲۵/۱). تنها همین روایت دلالت دارد که بزرگان اهل سنت به نقل روایت امام پرداخته‌اند.

سوم: بسیاری از فقها و محدثان اهل سنت، از آن حضرت روایت نقل کرده‌اند؛ از جمله احمد بن حنبل بر سندی که در آن چنین آمده: «امام رضا از پدرش موسی کاظم از پدرش جعفر صادق از پدرش محمد باقر از پدرش زین العابدین از پدرش حسین بن علی از پدرش علی بن ابی طالب از رسول اکرم...» حاشیه زده و می‌نویسد: اگر این سند را بر مجنون و دیوانه‌ای بخوانند از آن حالت جنون خود بهبودی خواهد یافت (ابن حجر هیثمی، ۱۹۹۷م، ج ۲/۵۹۵). ابونعیم در مورد این حدیث می‌گوید: این حدیث استوار مشهوری است به همین اسناد به روایت پاکان از پدران پاک‌نهادشان. بعضی از محدثان ما، در گذشته می‌گفتند: اگر این اسناد را بر دیوانه بخوانند، شفا می‌گیرد (اصبهانی، ۱۴۰۵: ۱۹۲/۳). خطیب بغدادی از شخصی نقل می‌کند که این اسناد را دوازده مجنون می‌دانست (خطیب بغدادی، بی‌تا: ۴۱۸/۵ - ۴۱۹).

حاکم نیشابوری می‌نویسد: «... از امامان حدیث عده‌ای از آن حضرت روایت نقل کرده‌اند؛ امثال: معلی بن منصور رازی، آدم بن ابی ایاس عسقلانی، محمد بن ابی رافع قصری قشیری، نصر بن علی جهضمی و دیگران...» (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۶: ۳۳۸/۷).

مزی در شرح حال علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌نویسد: «ابوبکر بن احمد بن حباب بن حمزه حمیری نسابه، و ایوب بن منصور نیشابوری، و دارم بن قبیصة بن نهشل صنعانی، و ابواحمد داوود بن سلیمان بن یوسف غازی قزوینی و سلیمان بن جعفر، و عامر بن سلیمان طائی و عبدالله بن علی علوی، و امیرالمؤمنین ابوالعباس عبدالله مأمون بن هارون الرشید، و ابوالصلت عبدالسلام بن صالح هروی، و علی بن صدقه شطی رقی، و علی بن علی خزاعی دعبلی، و علی بن مهدی بن صدقه بن هشام قاصی و محمد بن سهل بن عامر بجلی، و فرزندش ابوجعفر محمد بن علی بن موسی، و ابوجعفر محمد بن حیان تمار بصری، و موسی



بن علی قرشی، و ابوعثمان مازنی نحوی، از او روایت نقل کرده‌اند» (مزی، ۱۴۰۶: ۱۴۸/۲۱).
 ذهبی می‌نویسد: «از او بنا بر آنچه گفته شده: آدم بن ابی‌ایاس که بزرگ‌تر از او بود، و احمد بن حنبل، و محمد بن رافع، و نصر بن علی جهمی، و خالد بن احمد ذهلی امیر، روایت نقل کرده‌اند» (ذهبی، ۱۴۲۷: ۱۱۵/۸). او همچنین در جایی دیگر می‌گوید: «علی بن موسی الرضا، یکی از بزرگان است. او امام ابوالحسن فرزند موسی کاظم، فرزند جعفر صادق، فرزند محمد باقر، فرزند علی زین‌العابدین، فرزند حسین، فرزند علی بن ابی‌طالب، هاشمی، علوی، حسینی است. از پدرش و عبدالله بن ارطاة روایت نقل کرده است. و از او نیز فرزندش ابوجعفر، و ابوعثمان مازنی، و مأمون، و عبدالسلام بن صالح، و دارم بن قبیصه، و طایفه‌ای روایت نقل کرده‌اند. او بزرگ بنی‌هاشم در زمان خود، و جلیل‌ترین و داناترین آنان به حساب می‌آمد» (ذهبی، ۱۴۱۳: ۱۴/۲۶۹ - ۲۷۰).

چهارم: اباصلت عبدالسلام بن صالح هروی کسی است که از اصحاب امام رضا علیه السلام و ملازمین آن حضرت بوده و احادیث و اخبار او را نقل کرده است؛ بلکه مزّی، او را خادم حضرت معرفی کرده است. در شرح حال اباصلت، او را عالم، فقیه، و ادیب معرفی کرده که با اهل اهواء باطله، همچون مرجئه و جهمیّه و زنادقه و قدریه مناظره می‌کرده و آنان را رد می‌کرده و در تمام موارد، پیروزی با او بوده است. به همین جهت و دلایل دیگر، عدّه زیادی از امامان، او را توثیق کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به یحیی بن معین، امام جرح و تعدیل اشاره کرد» (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۳۵۸/۲).

پنجم: اما راه پنجمی که هدف پژوهش حاضر است، این است که با مطالعه موردی باب الصلاة در کتب اربعه شیعه و صحاح سنّه به این مطلب برسیم که بسیاری از روایات امام رضا علیه السلام در منابع اهل سنّت هم نقل شده است و جزء متون مشترک است؛ هرچند به نام مبارک ایشان تصریح نشده باشد.

مفهوم روایت مشترک

تبیین محتوا و تقسیم صحیح مراتب در بحث، رکن اساسی و پایه در یک پژوهش علمی است و بدون تبیین مراتب مختلف موضوع، پی‌جویی آن، امری سخت و دیریاب به نظر می‌رسد.

بر همین پایه، تبیین مفهومی روایات مشترک را قبل از ورود به بحث اصلی، مورد مطالعه و بررسی قرار داده‌ایم.

در بررسی روایات مشترک، نکته محوری و مهمی رخ می‌دهد و آن توجه به این مهم است که روایات و متون مشترک در فریقین، الزاماً به نبی اکرم ﷺ منتهی نمی‌شود؛ چنان که در بسیاری از موارد، این متون بدون رفع به پیامبر ذکر شده است.

در منابع روایی شیعه، احادیث بسیاری از ائمه اطهار علیهم‌السلام نقل شده و اشاره‌ای به نبوی بودن حدیث در ضمن متن نشده است؛ در حالی که منابع اهل سنت همان حدیث را از پیامبر اکرم ﷺ نقل کرده‌اند که این خود مؤید روایات مسبوق الذکر مبنی بر تأکید اهل بیت نسبت به پرهیز از رأی شخصی و نقل کلمات رسول اکرم نیز محسوب می‌شود. در روایتی از اهل سنت نقل شده است: «عنه ﷺ ما استرذل الله عبد إلا حرمه العلم» (دیلمی، ۱۴۰۷: ۵۸/۴).

همین روایت در منابع شیعه از امیر المؤمنین علیه‌السلام نقل شده است (سید رضی، بی‌تا: خطبه ۲۸۸). از سویی دیگر در بسیاری از موارد، همان مطلب که از امامان شیعه در مصادر شیعی وارد شده است، در منابع اهل سنت به عنوان قول صحابی آمده است. بر پایه توجه به این مهم و تبیین صحیح مفهوم روایات مشترک می‌توان گفت: برای دستیابی به روایات مشترک که نشئت گرفته از مصدری واحد، یعنی رسول مکرم اسلام است، باید در دایره متون، توسعه آشکاری قایل شد تا از گستردگی و شمول نتایج به دست آمده اطمینان حاصل شود و این توسعه ناظر به افزودن اقوال و آثار صحابه در مجموعه متون مشترک و بررسی آن در ضمن این مجموعه خواهد بود که برای تأمین مقصود، امری ضروری به نظر می‌رسد.

با توجه به بیان فوق، در این نوشتار، احادیث امام رضا علیه‌السلام در باب الصلاة از کتب الکافی، کتاب من لا یحضره الفقیه، استبصار و تهذیب الأحکام استخراج شده است. با حذف موارد تکراری تعداد ۱۷۵ روایت از امام رضا علیه‌السلام درباره نماز در کتب اربعه وجود دارد. سپس متن این روایات با روایات کتب صحاح مورد مقایسه قرار گرفته است و اگر روایتی در صحاح از قول صحابی وجود داشته است، اما با روایت امام تشابه دارد، به عنوان روایت مشابه دانسته شده است.



بنابراین اگر روایت مشترک را آن گونه که در بالا توضیح دادیم بپذیریم، تعریف ما از متن حدیث یا متن مشترک حدیثی در این مقاله با معنایی که شهید ثانی در تعریف حدیث ارائه کرده است (یعنی معنایی اعم از حدیث، خبر و اثر)، همخوانی تام خواهد داشت: «الخبر المرادف للحدیث، اعم من أن یكون قول الرسول والامام والصحابی والتابعی وغيرهم من العلماء والصلحاء ونحوهم و فی معناه فعلهم وتقریرهم. هذا هو الأشهر فی الاستعمال والأوفق لعموم معناه اللغوی» (شهید ثانی، ۱۳۹۱: ۵۰).

در بررسی و پالایش روایات امام رضا علیه السلام درباره نماز در کتب اربعه و صحاح سته، نوع اشتراکات روایات در الفاظ و مفاهیم در چهار دسته کلی، رده بندی می شود:

الف) تطابق کامل لفظ و مفهوم

این دسته شامل متونی است که مفهوم واحدی را در الفاظ و عبارات یکسان بیان می دارد و در کتب معتبر فریقین وارد شده است؛ به این معنا که شیعه، این متون را از طرق و اسانید شیعی خود و اهل سنت نیز از طرق و اسانید سنی خود نقل کرده اند و در ضبط و نقل متن و مفهوم همگون اند.

از این دست متون مشترک در کتب معتبر حدیث، چه کتب حدیثی شیعه و چه منابع حدیثی اهل سنت، بسیار است؛ چیزی که شاید برای کسانی که ارتباط مستقیم با منابع حدیثی ندارند و با بی توجهی از کنار آن می گذرند، امری اعجاب برانگیز است.

این گروه از نصوص، مجموعه عظیمی است که در نگاه اجمالی به چشم نمی آید؛ اما در نگاه تیزبین پژوهشگران این حوزه، امری آشنا و حقیقتی مشهود است و نه تنها در بحث های عمومی و اخلاقیات و اعتقادات، بلکه در فروع دقیق فقهی نیز مصادیق بسیاری برای این مجموعه وجود دارد.

در باب الصلاة، روایتی وجود دارد که در منابع شیعه و اهل سنت با اندکی تسامح تطابق لفظی و مفهومی دارد. در سنن ابن ماجه به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است: «حدثنا هشام بن عمار حدثنا عبد الرحمن بن سعد بن عمار بن سعد مؤذن رسول الله صلی الله علیه و آله حدثني أبي عن أبيه عن جده أن رسول الله صلی الله علیه و آله كان يكبر في العيدین في الأولي سبعا قبل القراءة و في الآخرة خمسا قبل القراءة» (ابن ماجه قزوینی، ۱۳۹۵: ۱/۳۲۹).

همین روایت در سنن ترمذی هم با سند دیگری، نقل شده است: «حدثنا مسلم بن عمرو ابوعمر و الحذاء المديني حدثنا عبدالله بن نافع الصانع عن كثير بن عبدالله عن أبيه عن جده: أن النبي كَبَّرَ في العيدين: في الأولي سبعا قبل القراءة و في الآخرة خمسا قبل القراءة» (ترمذی، بی تا: ۴۱۶/۲).

روایت بالا را ابوداوود نیز با اندکی اختلاف در لفظ، نقل کرده است: «حَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ حَدَّثَنَا ابْنُ لَهَيْعَةَ عَنْ عُقَيْلٍ عَنْ ابْنِ شَهَابٍ عَنْ عُرْوَةَ عَنْ عَائِشَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ يَكْبِرُ فِي الْفِطْرِ وَالْأَضْحَى فِي الْأُولَى سَبْعَ تَكْبِيرَاتٍ فِي الثَّانِيَةِ خَمْسًا» (سجستانی، ۱۴۰۸: ۱۷۴/۱، ح ۶۶۰).
 شیخ طوسی نیز این روایت را از امام رضا علیه السلام نقل کرده است: «أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ سَعْدِ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ الرَّضَا علیه السلام قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ التَّكْبِيرِ فِي الْعِيدَيْنِ قَالَ التَّكْبِيرُ فِي الْأُولَى سَبْعٌ تَكْبِيرَاتٍ قَبْلَ الْقِرَاءَةِ وَفِي الْأَخِيرَةِ خَمْسٌ تَكْبِيرَاتٍ بَعْدَ الْقِرَاءَةِ» (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۳۱/۳).

ورود این روایت در منابع حدیثی شیعه و مخالفت آن با سایر روایات شیعی نشان می دهد که این روایت، از باب تقیه بوده است چنان که شیخ طوسی در پایان روایاتی که در باب تکبیر نماز عیدین است می نویسد: «فَإِنَّ هَذِهِ الْأَخْبَارَ مَحْمُولَةٌ عَلَى التَّقِيَّةِ لِأَنَّهَا وَرَدَتْ مُوَافَقَةً لِمَذْهَبِ بَعْضِ الْعَامَّةِ لِأَنَّهَا قَدْ قَدَّمْنَا مِنَ الْأَخْبَارِ مَا يَتَضَمَّنُ وَ يَدُلُّ عَلَى أَنَّ التَّكْبِيرَ فِي الرُّكُوعَيْنِ مَعًا بَعْدَ الْقِرَاءَةِ وَ لَا يَجُوزُ التَّنَافِي بَيْنَ الْأَخْبَارِ فَلَا بُدَّ مِنْ حَمَلِ هَذِهِ عَلَى صَرْبٍ مِنَ التَّقِيَّةِ وَ الَّذِي يُؤَيِّدُ مَا قَدَّمْنَاهُ وَضُوحًا مَا رَوَاهُ» (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۳۱/۳).

بنابراین در مواردی تطابق کامل روایت از حیث لفظ و مفهوم در منابع حدیثی فریقین مشاهده می شود که می تواند از باب تقیه باشد.

ب) تطابق مفهوم همراه با اختلاف جزئی در الفاظ و عبارات

این دسته از روایات، ملحق به دسته اول است با این تفاوت که گاهی نقایص یا تفاوت هایی در نقل آن ها موجود است. برای مثال ممکن است در منابع یکی از فریقین، کامل تر از دیگری باشد و یا بخش هایی از یک حدیث به صورت مشترک وارد شده باشد.

در منابع اهل سنت در فضیلت سجده آمده است: «أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَلَمَةَ قَالَ حَدَّثَنَا ابْنُ وَهْبٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ يَعْنِي ابْنَ الْحَارِثِ عَنْ عُمَارَةَ بْنِ غَزِيَّةَ عَنْ سُمَيٍّ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا صَالِحٍ عَنْ أَبِي



هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ رَبِّهِ عَزْوَجَلَّ وَهُوَ سَاجِدٌ فَكَثُرُوا الدُّعَاءَ» (نسائی، ۱۳۴۸: ۲۲۶/۲).

روایت یادشده با تطابق کامل لفظی در صحیح مسلم و سنن ابوداود نیز نقل شده است (قشیری نیشابوری، ۱۴۲۱ق: ۲۳۲؛ سجستانی، ۱۴۰۸: ۱/۲۳۰).

در کتب اربعه نیز روایت فوق با تطابق کامل لفظی و مفهومی در جمله اول و تفاوت لفظی در جمله دوم ذکر شده است: «عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْوَشَاءِ قَالَ سَمِعْتُ الرَّضَا يَقُولُ أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ سَاجِدٌ وَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ - وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ (کلینی، ۱۴۲۹: ۳/۲۶۵).

روایت بعدی را هم می‌توان از این نمونه دانست، هر چند که در منابع شیعه با تفصیل بیشتری بیان شده است؛ اما هر دو، سنت رسول خدا ﷺ را بیان می‌کنند. در منابع اهل سنت در بیان نماز میت آمده است: «حدثنا محمد بن بشار، حدثنا محمد بن جعفر، حدثنا شعبة، حدثنا يحيى بن حكيم، حدثنا ابن أبي عدى و أبو داود عن شعبة عن عمرو بن مرة عن عبد الرحمن ابن أبي لیلی: قال كان زيد بن أرقم يكبر على جنازة أربعا. وأنه كبر على جنازة خمسا. فسألته فقال كان رسول الله ﷺ يكبرها» (ابن ماجه قزوینی، ۱۳۹۵: ۱/۴۸۲). همین روایت در منابع شیعی به این صورت نقل شده است: «علی بن الحسین عن عبد الله بن جعفر عن إبراهيم بن مهزيار عن أخيه علی عن إسماعيل بن همام عن أبي الحسن قال قال أبو عبد الله ﷺ صلى رسول الله ﷺ على جنازة فكبر عليه خمسا و صلى على آخر فكبر عليه أربعا» (طوسی، ۱۴۰۷: ۳/۳۱۷).

ج) مفهومی واحد در قالب الفاظی متفاوت

حجم عظیمی از نصوص در مصادر شیعه و اهل سنت موجود است که مفهوم واحدی را نفیاً یا اثباتاً پیگیری می‌کنند؛ اما الفاظ متفاوتی را استخدام نموده‌اند - البته کاملاً روشن است این دسته از نصوص، مراتب تشکیکی بسیاری را می‌توانند در بر گیرند - . آنچه در این مقاله مقصود است، موارد بین و روشن بحث است؛ به گونه‌ای که نیاز به توضیح و تبیین نداشته باشند و خود متن با وجود تفاوت‌ها گویای یگانگی مطلب باشد. این گونه از نصوص در حقیقت مصداق اختلاف روات در نقل حدیث است.

در صحیح مسلم روایتی نقل شده است که به شرح زیر است: «وحدثنا يحيى بن يحيى قال قرأت على مالك عن عبدالله بن يزيد وأبي النضر عن أبي سلمة بن عبدالرحمن عن عائشة أن رسول الله ﷺ كان يصلي جالساً فيقرأ وهو جالس فإذا بقي من قراءته قدر ما يكون ثلاثين أو أربعين آية قام فقرأ وهو قائم ثم ركع ثم سجد ثم يفعل في الركعة الثانية مثل ذلك» (قشيري نيشابوری، ۱۴۲۱ق: ۳۳۶).

مضمون روایت بالا در منابع روایی شیعه نیز نقل شده است: «الحسين بن سعيد عن صفوان بن يحيى عن حماد بن عثمان عن أبي الحسن عليه السلام قال: سألته عن الرجل يصلي وهو جالس فقال إذا أردت أن تصلي وأنت جالس ويكتب لك بصلاة القائم فاقراً وأنت جالس فإذا كنت في آخر السورة فقم فأتمها واركع فتلك تحسب لك بصلاة القائم» (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۷۰/۲).

از این قبیل روایات می‌توان به روایت زیر هم اشاره کرد: «حدثنا يحيى بن يحيى قال قرأت علي مالك عن نافع و عبدالله بن دينار عن ابن عمر: أن رجلاً سأل رسول الله ﷺ عن الصلاة الليل مثنى مثنى فإذا خشي أحدكم الصبح صلى ركعة واحدة توتر له ما قد صلى» (قشيري نيشابوری، ۱۴۲۱: ۳۴۳).

در کتب اربعه شیعه، روایت زیر هم مضمون با روایت فوق است: «عنه عن بنان بن محمد عن سعد بن السندي عن علي بن عبد الله بن عمران عن الرضا عليه السلام قال قال الرضا ع إذا كنت في صلاة الفجر فخرجت ورأيت الصبح فزد ركعة إلى الركعتين اللتين صليتهما قبل واجعله وتراً» (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۳۸/۲).

هر چند هدف نوشتار پیش رو، مقایسه اشتراکات کتب اربعه و صحاح سنه است، اما قابل ذکر است که روایت اهل سنت در کتاب علل الشرائع نیز با همین سند و محتوا آمده است: «حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ الْحَسَنِ الْمَعْرُوفُ بِأَبْنِ مَقْبَرَةَ الْقُرْويني قَالَا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَكَمِ قَالَ حَدَّثَنَا بِشْرُ بْنُ غِيَاثٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يُوسُفَ قَالَ حَدَّثَنَا ابْنُ أَبِي لَيْلَى عَنْ نَافِعٍ عَنِ ابْنِ عُمَرَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ صَلَاةُ اللَّيْلِ مَثْنَى مَثْنَى فَإِذَا خِفَتِ الصُّبْحُ فَأَوْتِرْ بِوَاحِدَةٍ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ الْوَتْرَ لِأَنَّهُ وَاحِدٌ» (صدوق، ۱۳۸۵: ۴۶۸/۲).



روایت دیگری در منابع اهل سنت وجود دارد که زمان نماز وتر را نشان می‌دهد: «حَدَّثَنَا هَارُونُ بْنُ مَعْرُوفٍ حَدَّثَنَا ابْنُ أَبِي زَائِدَةَ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ عَنْ نَافِعٍ عَنِ ابْنِ عُمَرَ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ: بَادِرُوا الصُّبْحَ بِالْوُتْرِ» (سجستانی، ۱۴۰۸: ۶۷/۲).

در منابع شیعی روایت با تفصیل بیشتری از امام رضا علیه السلام نقل شده است: «أحمد بن محمد عن إسماعيل بن سعد الأشعري قال: سألت أبا الحسن الرضا علیه السلام عن ساعات الوتر قال أحبها إلي الفجر الأول وسألته عن أفضل ساعات الليل قال الثلث الباقي وسألته عن الوتر بعد فجر الصبح قال نعم قد كان أبي ربما أوتر بعد ما انفجر الصبح» (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۳۸/۲)

روایت در پی نیز از این نمونه است: «حدثنا عثمان بن ابي شيبة وابن المثنى (وهذا لفظ ابن المثنى) قال: حدثنا أبو أسامة قال ابن المثنى قال أخبرني عبد الله بن محمد بن عمر بن علي بن ابي طالب عن ابيه عن جده أن عليا رضي الله عنه كان إذا سافر سار بعد ما تغرب الشمس حتي تكاد أن تظلم ثم ينزل فيصلي المغرب ثم يدعو بعشائه فيتغشي ثم يصلي العشاء ثم یرتحل ويقول: هكذا كان رسول الله يصنع» (سجستانی، ۱۴۰۸: ۱۱/۲).

روایت «و عنه عن علی بن سیف عن محمد بن علی قال: صحبت الرضا علیه السلام فی السفر فرأيتہ يصلي المغرب إذا أقبلت الفحمة من المشرق یعنی السواد» (طوسی، ۱۴۰۷: ۲۹/۲) در منابع شیعی، هم مضمون با روایت فوق است که زمان نماز مغرب را نشان می‌دهد.

در منابع اهل سنت، روایتی در فضیلت روز جمعه دیده می‌شود: «حدثنا عمار بن خالد الواسطي، حدثنا علي بن غراب عن صالح بن أبي الأخضر عن الزهري عن عبيد بن السباق عن ابن عباس قال: قال رسول الله ﷺ: "إن هذا يوم عيد. جعله الله للمسلمين. فمن جاء إلى الجمعة فليغتسل. وإن كان طيب فليمس منه. وعليكم بالسواك"» (ابن ماجه قزوینی، ۱۳۹۵: ۳۴۹/۱). شبیه به مضمون این روایت، در کتاب من لایحضره الفقیه این گونه آمده است: «وقال الرضا علیه السلام ينبغی للرجل أن لا يدع أن یمس شیئا من الطیب فی کل يوم فإن لم یقدر فیوم و یوم لا فإن لم یقدر ففی کل جمعة لا يدع» (صدوق، ۱۴۱۳: ۴۲۵/۱).

د) مفهومی واحد در قالب پرسش و پاسخ

در منابع روایی شیعه، بسیار دیده می‌شود که برخی از اصحاب با دیدن یک موضوع یا حکم

فقهی در میان اهل سنت، به ائمه علیهم السلام رجوع می کردند و صحیح یا نادرست بودن حکم را برای اطمینان از امام می پرسیدند. برای مثال در هر شش کتب روایی معتبر در نزد اهل سنت، این حدیث با الفاظ متفاوت و حکمی واحد آمده است: «حدثنا أبو الوليد هشام بن عبد الملك قال حدثنا بشر بن المفضل قال حدثني غالب القطان عن بكر بن عبد الله عن أنس بن مالك قال: كنا نصلي مع النبي صلى الله عليه وآله فيضع أحدنا طرف الثوب من شدة الحر في مكان السجود» (بخاری، ۱۴۰۷: ۱۰۱/۱).

بخاری همین روایت را از طریق سند دیگری با اندکی اختلاف در لفظ این گونه بیان کرده است: «حدثنا إسحاق بن إبراهيم بن حبيب حدثنا بشر بن المفضل عن غالب القطان عن بكر بن عبد الله عن أنس بن مالك قال: كنا نصلي مع النبي صلى الله عليه وآله فإذا لم يستطع أحدنا أن يمكن وجهه من الأرض بسط ثوبه فسجد عليه» (بخاری، ۱۴۰۷: ۶۱/۲).

این روایت، در صحیح مسلم، سنن ابوداود، سنن نسائی، سنن ابن ماجه و سنن ترمذی نقل شده است که بیان می دارد در صورتی که از شدت گرمی هوا نتوان پیشانی را بر روی زمین گذاشت، می توان بر روی لباس یا مانند آن سجده کرد (ترمذی، بی تا: ۴۷۹/۲؛ ابن ماجه قزوینی، ۱۳۹۵: ۳۲۹/۱؛ نسایی، ۱۳۴۸: ۲۱۶/۲؛ قشیری نیشابوری، ۱۴۲۱ق: ۲۸۷).

در منابع شیعی، سه روایت هم مضمون با روایت بالا وجود دارد که اصحاب از امام رضا علیه السلام پرسیده اند که: «آیا جایز است برای حفظ بدن از سرما و گرمای شدید بر لباس و مانند آن سجده شود؟»، امام این گونه پاسخ داده اند:

«أحمد بن محمد عن أبي طالب بن الصلت عن القاسم بن الفضيل قال: قلت للرضا عليه السلام جعلت فداك الرجل يسجد على كفه من أذى الحر و البرد قال لا بأس به» (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۰۶/۲).

«عنه عن عباد بن سليمان عن سعد بن سعد عن محمد بن القاسم بن الفضيل عن أحمد بن عمر قال: سألت أبا الحسن عليه السلام عن الرجل يسجد على كفه قميصه من أذى الحر و البرد أو على رداءه إذا كان تحته مسح أو غيره مما لا يسجد عليه فقال لا بأس به» (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۰۶/۲).

«عنه عن عباد بن سليمان عن سعد بن سعد عن محمد بن القاسم بن الفضيل بن يسار قال:



کتب رجل إلى أبي الحسن عليه السلام هل يسجد الرجل على الثوب يتقي به وجهه من الحر و البرد و من الشيء يكره السجود عليه فقال نعم لا بأس به» (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۰۶/۲).

در مقایسه این دو روایت در منابع شیعی و اهل سنت، این فرضیه تقویت می شود که بسیاری از اشتراکات در منابع روایی به علت حضور اهل سنت و شیعه در کنار هم است. اصحاب ائمه با دیدن برخی از احکام رایج فقهی اهل سنت برای اطمینان از آن حکم، فقهی را در قالب پرسش از معصوم می پرسند. البته نمونه های پرسش و پاسخ بسیار است که از آن جمله می توان به این روایت زیر اشاره کرد: «أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْأَعْلَى الصَّنَعَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا خَالِدٌ قَالَ حَدَّثَنَا شُعْبَةُ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ سَمِعْتُ الْقَاسِمَ يُحَدِّثُ عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ كَانَ فِي بَيْتِي ثَوْبٌ فِيهِ تَصَاوِيرٌ فَجَعَلْتُهُ إِلَى سَهْوَةٍ فِي الْبَيْتِ فَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي إِلَيْهِ ثُمَّ قَالَ يَا عَائِشَةُ أَخْرِيهِ عَنِّي فَزَعَمْتُهُ فَجَعَلْتُهُ» (نسائی، ۱۳۴۸: ۶۷/۲).

مشابه آن در منابع شیعی از امام رضا عليه السلام نقل شده است: «وسأل محمد بن إسماعيل بن بزيع - أبا الحسن الرضا - عن الصلاة في الثوب المعلم فكره ما فيه من التماثيل» (صدوق، ۱۴۱۳: ۲۶۴/۱).
یا در روایت اهل سنت آمده است: «أَخْبَرَنَا عُيَيْدُ اللَّهِ بْنُ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ سَعِيدٍ عَنْ عُيَيْدِ اللَّهِ بْنِ الْأَخْنَسِ عَنْ نَافِعٍ عَنْ ابْنِ عُمَرَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُوتِرُ عَلَى الرَّاحِلَةِ» (نسائی، ۱۳۴۸: ۲۳۲/۳).

این حکم از امام سؤال شد و امام فرمودند: «و عنه عن محمد بن يحيى عن حماد بن سليمان عن سعد بن سعد عن مقاتل بن مقاتل عن أبي الحارث قال: سألته يعني الرضا عليه السلام - عن الأربع ركعات بعد المغرب في السفر يعجلني الجمال فلا يمكنني الصلاة على الأرض هل أصلبها في المحمل قال نعم صلها في المحمل» (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۵/۲).

ه) مفهومی متضاد در قالب تشابه ظاهری الفاظ

زمانی که به منظور بررسی روایات مشترک در منابع روایی فریقین، روایات، مورد جستجو و کاوش قرار می گیرند، در نگاه اول، ممکن است روایاتی دیده شوند که دارای تشابه ظاهری از حیث الفاظند؛ اما دقت در آنها نشان می دهند که روایات، کامل با هم در تضاد هستند. از این نمونه می توان به این روایت اشاره کرد: «حَدَّثَنَا الْقَعْنَبِيُّ عَنْ مَالِكٍ عَنْ ابْنِ شَهَابٍ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ

بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْأَعْرَبِيِّ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: يَنْزِلُ رَبُّنَا تَبَارَكَ وَتَعَالَى كُلَّ لَيْلَةٍ إِلَى سَمَاةِ الدُّنْيَا حِينَ يَبْقَى ثَلَاثُ اللَّيْلِ الْآخِرِ فَيَقُولُ مَنْ يَدْعُونِي فَاسْتَجِيبْ بِهِ؟ مَنْ يَسْأَلُنِي فَأَعْطِيهِ؟ مَنْ يَسْتَغْفِرُنِي فَأَغْفِرَ لَهُ؟» (سجستانى، ۱۴۰۸: ۳۵/۲).

در منابع شیعی روایت به این صورت نقل شده است: «و روى عبد العظيم بن عبد الله الحسيني عليه السلام عن إبراهيم بن أبي محمود قال: قلت للرضا عليه السلام يا ابن رسول الله ما تقول في الحديث الذي يرويه الناس عن رسول الله عليه السلام أنه قال إن الله تبارك وتعالى ينزل في كل ليلة جمعة إلى السماء الدنيا فقال عليه السلام لعن الله المحرفين الكلم عن مواضعه و الله ما قال رسول الله عليه السلام ذلك إنما قال عليه السلام إن الله تبارك وتعالى ينزل ملكا إلى السماء الدنيا كل ليلة في الثلث الأخير و ليلة الجمعة في أول الليل فيأمره فينادي هل من سائل فأعطيه هل من تائب فأتوب عليه هل من مستغفر فأغفر له يا طالب الخير أقبل و يا طالب الشر أقصر فلا يزال ينادي بهذا حتى يطلع الفجر فإذا طلع الفجر عاد إلى محله من ملكوت السماء حدثني بذلك أبي عن جدي عن آبائه عن رسول الله عليه السلام» (صدوق، ۱۴۱۳: ۴۲۱/۱).

مقایسه این دو روایت نشان می دهد که معنای دو جمله هر چند تشابه ظاهری دارد، اما کاملاً متفاوت است. در جمله ای که در منابع اهل سنت آمده است: «يَنْزِلُ رَبُّنَا تَبَارَكَ وَتَعَالَى كُلَّ لَيْلَةٍ إِلَى سَمَاةِ الدُّنْيَا حِينَ يَبْقَى ثَلَاثُ اللَّيْلِ الْآخِرِ»، اهل سنت معتقدند خداوند متعال، خود به زمین می آید؛ اما در منابع روایی شیعه، عبارت «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَنْزِلُ مَلَكًا إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا كُلَّ لَيْلَةٍ فِي الثَّلَاثِ الْآخِرِ وَ لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ فِي أَوَّلِ» نشان می دهد که خداوند، ملکى را از آسمان به زمین می فرستد.

بنابراین، این دو روایت، نتایج کلامی متفاوتی دارند و جالب است که با توجه به آنچه پیش از این هم گفته شد، در بسیاری از موارد، اصحاب ائمه علیهم السلام برخی از احکام فقهی و باورهای کلامی و اعتقادی رایج اهل سنت را در قالب یک پرسش از امام معصوم می پرسیدند. در این جا نیز ابراهیم بن ابی محمود که از دیدگاه رجالیان شیعه ثقة است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۵/۱) و علامه حلی معتقد است می توان به روایات وی اعتماد کرد (حلی، ۱۴۱۱: ۳/۱)، رأی و نظر امام رضا عليه السلام را درباره روایت اهل سنت که معتقدند خداوند در هر شب جمعه به زمین می آید



می پرسد و امام علیه السلام معتقدان به آن را لعنت می کنند و اعتقاد صحیح را در این مسئله بیان می دارند. مراد از واژه «الناس» در روایت ابراهیم بن ابی محمود، اهل سنت هستند و جالب است که با مقایسه و بررسی تطبیقی دو روایت - که یکی در منابع اهل سنت و دیگری در منابع شیعی مطرح شده است -، می توان به این نتیجه رسید که اصحاب ائمه علیهم السلام از آراء فقهی و کلامی اهل سنت آگاه بوده و آن را در مجالس خود با ائمه در میان گذاشته و از صحت یا عدم صحت آراء اهل سنت که به رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت می دهند پرسش می کردند. جالب است در این گونه روایات، اصحاب، جانب احتیاط را رعایت می کنند و هیچ گاه به صورت مستقیم از اهل سنت نام نمی برند؛ بلکه می گویند برخی معتقدند و هدف آن ها تخطئه اهل سنت نیست. تنها هدف از پرسش این است آیا در مواردی که حکمی به پیامبر نسبت داده می شود صحیح است یا نه؟

البته در تمام مواردی که در باب الصلاة، حدیث مشترک با اهل سنت در منابع شیعه دیده می شود، مواردی است که اهل سنت مستقیماً عمل یا سخنی را به رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت داده اند.

تحلیل تبیین میزان اشتراک روایات در کتب اربعه و صحاح سنّه

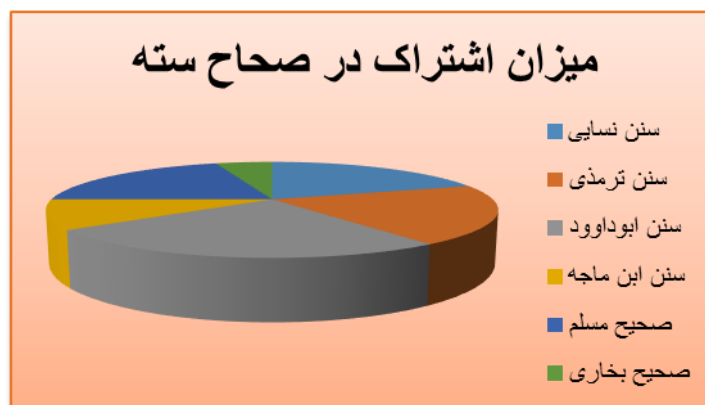
به منظور تبیین میزان روایات مشترک در کتب اربعه و جوامع حدیثی اهل سنت، باب الصلاة - که از موضوعات مورد اتفاق فریقین است -، انتخاب شده است. با حذف مکررات ۱۷۵ روایات در کتب اربعه شیعه درباره نماز، از امام رضا علیه السلام نقل شده است. از این میان، دوازده روایت در صحاح سنّه در باب نماز با روایات امام رضا علیه السلام مشترک است. به عبارتی دیگر تقریباً میزان اشتراک، هفت درصد است؛ این میزان اشتراک، رقم بسیار بالایی است؛ زیرا ما از میان کلیه روایات کتب اربعه در باب نماز، تنها روایات امام رضا علیه السلام را گزینش نمودیم. حال اگر بخواهیم میزان اشتراک کل روایات را به دست آوریم، درصد اشتراک بسیار بالا خواهد رفت. از سویی تنها روایات کتب اربعه و صحاح، مورد بررسی قرار گرفته اند و چنانچه سایر منابع را هم در این امر شریک سازیم، باز درصد اشتراک از این میزان هم بالاتر می رود.

بررسی و تبیین روایات مشترک، پیامدهای جدی ای را به دنبال خواهد داشت. بارزترین اثر آن، تقارب مبانی اندیشه اسلامی در میان اندیشمندان است. اتقان در اثبات صدور حدیث از

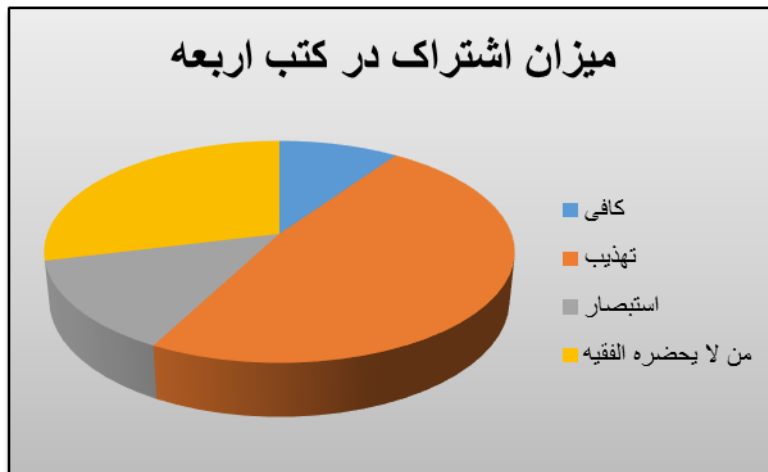
دیگر نتایج این گونه بحث‌هاست. وجود منابع مشترک در متون حدیثی به جد موجب اطمینان مخاطب از قطعیت صدور این دسته از متون خواهد شد و نیاز به بحث‌سندی در مورد این دسته از متون منتفی تلقی می‌شود و عدم اتقان اسناد نمی‌تواند آسیبی به آن وارد کند.



بررسی روایات نشان می‌دهد در برخی احادیث، اتقان در اثبات صدور حدیث، مسلم و قطعی است؛ زیرا روایت در تمام منابع روایی اهل سنت و شیعه ذکر شده است. بررسی هر یک از روایات مشترک باب الصلاة در کتب اربعه و صحاح سته، ارقام زیر را آشکار می‌کند:



در منابع شیعی، بیشترین میزان اشتراک در کتاب تهذیب الأحكام شیخ طوسی دیده می‌شود.



نتیجه‌گیری

بررسی متون حدیثی فریقین و بیان نقاط اشتراک می‌تواند یکی از زمینه‌های تقریب مذاهب باشد که در عصر حاضر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به منظور بیان اشتراکات متون روایی شیعه و اهل سنت، در این نوشتار روایات امام رضا علیه السلام در باب الصلاة کتب اربعه و صحاح سته، مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است و نتایج زیر از اصلی‌ترین دستاورد این پژوهش است:

- الف. منابع رجالی اهل سنت امام رضا علیه السلام را فوق وثاقت و عدالت دانسته‌اند؛ به همین سبب، روایات امام رضا علیه السلام در برخی منابع اهل سنت چون سنن ابن ماجه دیده می‌شود.
- ب. روایات مشترک در منابع فریقین به معنای تطابق کامل لفظ و معنا در هر دو منبع با سند یکسان نیست؛ بلکه روایات مشترک می‌تواند دارای تطابق کامل لفظ و معنا، تطابق معنا، تفاوت اندک الفاظ و تطابق مفهوم بدون تطابق لفظی باشد.
- ج. گاهی روایات مشترک، حاکی از این موضوع است که اهل سنت و شیعه در زمان امام رضا علیه السلام با یکدیگر مراوده و همنشینی داشته‌اند؛ بنابراین برخی از اصحاب در دیدار خود با امام علیه السلام برخی از احکام اهل سنت را در قالب سؤال از امام می‌پرسند و امام به آنها پاسخ می‌دهند که این موضوع را تحت عنوان مشترکات می‌توان بررسی کرد.

د. برخی از اشتراکاتی که در موضوعات فقهی چون نماز دیده می‌شود، می‌تواند نشان‌دهنده تقیه در زمان امام باشد. گاهی اصحاب حکمی را از امام سؤال می‌کنند و امام از روی تقیه، حکم اهل سنت را بیان می‌دارند.

ه. در بررسی اشتراکات باید دقت داشت گاهی در منابع روایی فریقین، روایاتی دیده می‌شود که از جهت لفظ، بیش از نود درصد با هم تطابق دارند؛ اما از حیث محتوا و مفهوم می‌تواند دو حکم و رأی متضاد و مخالف هم باشد که به نمونه‌ای از آن در این نوشتار اشاره شده است.

و. در باب الصلاة از ۱۷۵ روایتی که در اصول اربعه، شیعه از امام رضا علیه السلام نقل کرده‌اند، با حذف مکررات، دوازده روایت در صحاح سته با روایات امام رضا علیه السلام مشترک است.

ز. بیشترین اشتراک با منابع روایی شیعه در سنن ابو داوود و کمترین میزان اشتراک در صحیح بخاری دیده می‌شود.

ح. سؤالاتی که از امام علیه السلام شده است، نشان می‌دهد در مواردی که اهل سنت، حکم فقهی را مستقیماً به رسول خدا نسبت می‌دهند، اصحاب به آن توجه و برای اطمینان از صحت آن از امام پرسش می‌کنند.

خ. نسبت اشتراک ۱۲ به ۱۷۵ رقم بالایی است؛ زیرا در این نوشتار فقط روایات امام رضا علیه السلام و آن هم تنها در یکی از ابواب فقهی «الصلاة» مورد بررسی قرار گرفته است و از طرفی، تنها کتب اربعه و صحاح سته میزان قرار داده شده است. پس اگر در صدد باشیم میزان اشتراکات را از کلیه منابع روایی اهل سنت و شیعه به دست آوریم، رقم قابل ملاحظه‌ای خواهد بود.

كتابنامه

١. ابن تيميه، احمد بن عبد، (١٤٠٦ق)، منهاج السنة، تحقيق: محمد رشاد سالم، بي جا: مؤسسه قرطبه.
٢. ابن حبان، ابوحاتم محمد، (١٣٩٣ق)، الثقات، هند: وزارة المعارف العثمانية بحيدر آباد الركن، چاپ اول.
٣. ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي، (١٣٢٦ق)، تهذيب التهذيب، هند: مطبعة دائرة المعارف النظاميه.
٤. ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي، (١٤١٥ق)، تقريب التهذيب، تحقيق: عادل مرشد، بيروت: دارالكتب العلمية.
٥. ابن حجر هيثمي، ابي العباس احمد بن محمد، (١٩٩٧م)، الصوائق المحرقة، بيروت: مؤسسه الرسالة، چاپ اول.
٦. ابن ماجه قزويني، محمد بن يزيد ابو عبدالله، (١٣٩٥ق)، سنن ابن ماجه، تعليق: محمد فؤاد عبدالباقي، بيروت: دارالفكر.
٧. اصبهاني، ابونعيم احمد بن عبدالله، (١٤٠٥ق)، حلية الأولياء، بيروت: دار الكتاب العربي، چاپ چهارم.
٨. بخاري، محمد بن اسماعيل ابو عبدالله، (١٤٠٧ق)، صحيح بخاري، بيروت: دارالقلم، چاپ اول.
٩. ترمذي، محمد بن عيسى، (بي تا)، سنن الترمذي، تحقيق: احمد محمد شاکر، بيروت: داراحياء التراث.
١٠. خطيب بغدادي، احمد بن علي، (بي تا)، تاريخ بغداد، بيروت: دار الكتب العلمية.
١١. ديلمی، ابومنصور، (١٤٠٧ق)، فردوس الأخبار، بيروت: دارالكتاب.



۱۲. ذهبی، شمس الدین ابو عبدالله محمد بن احمد، (۱۴۲۷ق)، سیر اعلام النبلاء، قاهره: دارالحديث.

۱۳. ذهبی، شمس الدین ابو عبدالله محمد بن احمد، (۱۴۱۳ق)، تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق: عمر عبدالسلام التدمری، قاهره: دارالحديث، چاپ دوم.

۱۴. سجستانی، ابو داوود سلیمان بن الأشعث، (۱۴۰۸ق)، سنن ابی داوود، بیروت: دارالجيل.

۱۵. سید رضی، محمد بن الحسین (بی تا)، نهج البلاغة، تحقیق: محمد عبده، بیروت: دارالمعرفة.

۱۶. شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۳۹۱ش)، الرعاية فی شرح بداية الدراية، قم: کتابخانه آية الله عظمی مرعشی.

۱۷. صدوق، محمد بن علی، (۱۳۸۵ش)، علل الشرايع، قم: کتاب فروشی داوری.

۱۸. صدوق، محمد بن علی، (۱۴۱۳ق)، کتاب من لا یحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۹. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۳۹۰ق)، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، تهران: دارالکتب الاسلامیة.

۲۰. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۷ق)، تهذیب الأحكام، تهران: دارالکتب الاسلامیة.

۲۱. عطاردی، عزیز الله، (۱۴۰۶ق)، مسند الامام الرضا، مشهد: مؤسسه طبع و نشر آستان قدس رضوی.

۲۲. علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۱ق)، رجال العلامة الحلی، قم: دار الذخائر.

۲۳. قشیری نیشابوری، مسلم بن الحجاج، (۱۴۲۱ق)، صحیح مسلم، بیروت: دارالفکر.

۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹ق)، الکافی، قم: دارالحديث، چاپ اول.

۲۵. گرایلی، فریدون، (۱۳۵۷ش)، نیشابور شهر فیروزه، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات و گرافیک دانشگاه.

٢٦. مالكي، علي بن احمد بن عبدالله المكي، (بي تا)، فصول المهمة في معرفة أحوال الأئمة،
بي جا: بي نا.
٢٧. مجلسي، محمد باقر، (١٤٠٣ق)، بحار الأنوار، بيروت: دار احياء التراث العربي.
٢٨. مزى، يوسف، (١٤٠٦ق)، تهذيب الكمال في أسماء الرجال، تحقيق: عواد معروف،
بيروت: مؤسسة الرسالة.
٢٩. مناوي، عبدالرووف، (١٣٥٦ق)، فيض القدير شرح الجامع الصغير، مصر: المكتبة
التجارية الكبرى، چاپ اول.
٣٠. نجاشي، احمد بن علي، (١٤٠٧)، رجال النجاشي، قم: انتشارات جامعه مدرسين.
٣١. نجفي، محمد صادق، (١٣٩٦ق)، سيرى در صحيحين، بي جا: انتشارات المهدي.
٣٢. نسائي، ابو عبدالرحمن احمد بن شعيب بن علي الخراساني (١٣٤٨ق)، سنن النسائي،
بيروت: داراحياء التراث العربي، چاپ اول.

